**تکریم یا توهین؟ / منزلت زن در اندیشه اسلامی و فمینیستتی!**

پدید آورنده : سید ابراهیم حسینی ، صفحه 8

|  |
| --- |
| برای فهم صحیح آیات و پرهیز از تفسیر به رأی، باید ضوابطی را رعایت کرد وگرنه استنباط غیرضابطه مند، در حقیقت غیرواقع بینانه و غیرقابل استناد به قرآن است و سرّ احتیاج به کارشناس معارف قرآنی و اسلامی و بی اعتباری نظریه غیرکارشناسان، همین برخورداری از قدرت استنباط ضابطه مند است.  به هر صورت، از جمله ضوابط تفسیر قرآن، دانستن شأن نزول، آیات قبل و بعد آیه مورد تفسیر و فهم ارتباط و تناسب بین این مجموعه آیات و نیز در نظر داشتن سایر آیات قرآن است. زیرا آیات قرآن در مجموع کتاب هدایت الهی است که برخی از آن آیات، برخی دیگر را تفسیر می کند.  با توجه به شأن نزول آیه و تناسب این آیه با آیات قبل و بعد، روشن می شود که این آیات در جهت تنظیم روابط زناشویی و بیان جایگاه رفیع نهاد خانواده، نکاتی را گوشزد نموده، بر خلاف پندار یا القای برخی افراد، زنان را تکریم نموده، از آن که مردان به آنان به دیده وسیله اطفاء شهوت بنگرند، نکوهش کرده است. مناسب است ضمن تفسیر آیه، به جایگاه نهاد خانواده در اسلام و غرب و جنبش های فمینیستی طرفدار زن اشاره نموده، با یادآوری جایگاه زن در جاهلیت و ادیان دیگر، فضای نزول این آیات را بشناسیم.  **خانواده از دیدگاه اسلام**  از نظر اسلام، زناشویی یک نظم اجتماعی است که مانع روابط نامنظم و بی قاعده اجتماعی (روابط بی قاعده و آزاد دو جنس) و پیامدهای ناپسند آن، مانند فرزندان حرام زاده و شیوع پیامدهای جنسی و مشکلات دیگر اجتماعی می شود.  در اسلام، زناشویی عملی عبادت گونه و مقدس به شمار آمده است و بنابر حدیث پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله که می فرماید: «من تزوّج احرز نصف دینه»،1 ازدواج می تواند نصف ایمان جوان را از دستبرد شیطان حفظ کند و هدف از آن، حفظ نسل، انتقال تجربه، پرورش روحی و فکری فرزندان، انتقال فرهنگ و زبان، ایجاد آرامش روانی و هدایت غریزه و نیاز جنسی است.2  **تفسیر آیه**  درآیه شریفه 223 سوره بقره چند نکته آمده است:  1. تشبیه زنان به مزرعه.  2. جواز استمتاع از آنان در هر زمان یا به هر صورت یا در هر مکان (بنا بر اختلاف تفاسیر).  3. هدف آمیزش (پرورش فرزندان صالح و نیک)؛ «قدموا لانفسکم».  4. توجه به دستورات خداوند و تجاوز نکردن از حدود و قوانین شرعی؛ حتی در روابط زناشویی.  تشبیه زنان به مزرعه، ممکن است برای برخی سنگین آید که چرا اسلام درباره نیمی از نوع بشر، چنین تعبیری کرده است؛ در حالی که نکته باریکی در این تشبیه نهفته است و در حقیقت قرآن کریم می خواهد با این بیان، ضرورت وجود زن در اجتماع انسانی را مجسم کند و بگوید که زن یک وسیله ارضای شهوت نیست؛ بلکه وسیله ای برای حفظ حیات نوع بشر است و همان طور که انسان برای ادامه زندگی به تغذیه نیاز دارد و بدون کشت و زرع، مواد غذایی حیات او تأمین نمی شود، برای ادامه زندگی نوع خود نیز نیازمند به وجود زن است.3  علامه طباطبایی در این باره می گوید: «حاصل معنای آیه این است که موقعیت زنان در جامعه انسانی، همانند زراعتی است که آدمی برای تحصیل غذایی که مایه حفظ زندگانی و بقای آن است و نیز برای ابقای تخم بدان احتیاج دارد. همچنین جامعه انسانی برای دوام نوع و بقای نسل، محتاج به زنان است؛ زیرا خداوند متعال تکوین انسان و مصور شدن او را به این صورت در طبیعت رحم قرار داده و طبیعت مردان را که جزئی از آن ماده اصلی در ایشان است، مایل به زنان فرموده و میان مردان و زنان دوستی و مهربانی برقرار کرده است».4 به این واقعیت، نه تنها مفسران مسلمان، بلکه فلاسفه غرب نیز اعتراف کرده اند.  ویل دورانت در کتاب لذات فلسفه می نویسد: «در نوع انسان، عمل توالد در جسم زن است و عمل مرد تبعی و سطحی است و حتمی و ناگزیرنیست. طبیعت و آزمایشگاه ها هر دو زاید بودن مرد را به طور قطع نشان داده اند. این یک حقیقت تلخ است که در انواع حیوان، اصل و اساس، ماده است و نر، فرع و تابع است. در نمایش بزرگ توالد که محور حیات است، عمل نر حقیر است و فقط سیاهی لشکر است. در بحران وضع حمل، مرد با دستپاچگی از روی حیرت در کنار زن می ایستد و سرانجام به حقارت و غیرضروری بودن هستی خود در پهنه رشد نوع، پی می برد. در این لحظه است که می فهمد زن از او به نوع نزدیک تر و وابسته تر است و جریان عظیم حیات در وجود زن است و به تدریج در می یابد که چرا اقوام ابتدایی و ادیان بزرگ سامری، او را می پرستیدند».5  حاصل آن که از تشبیه زن به مزرعه، چند نکته مهم فهمیده می شود:  1. از تعبیر حرث، فهمیده می شود که ارتباط مردان با زنان در اشباع غریزه منحصر نیست؛ بلکه ارتباط تنگاتنگ زمینه و محصول عمل را دارد و همان گونه که دنیا مقدمه آخرت است، زنان نیز به نوع بشر بقا می دهند و آخرت انسان و فرزندان، با زنان سامان می یابد؛ هم چنان که این نکته، از ذیل آیه «قدموا لانفسکم» فهمیده می شود.  2. انتخاب همسر مناسب، همچون انتخاب مزرعه مناسب است و انتخاب بذر نیز شرط تولید بهتر است.  3. بذر و زمین، هر دو در تولید، نقش مهمی دارند و زن و مرد، هر دو در نسل آینده نقش دارند.  4. هدف از آمیزش، نباید صرفاً اطفای شهوات و مسائل حیوانی باشد؛ بلکه هدف اصلی، باید تربیت فرزندانی شایسته ذخیره روز قیامت باشد تا آن کار نیز رنگ الهی گیرد.  5. زن نه کالاست و نه منشأ تاریکی؛ بلکه او بنیان گذار آبادی ها و سرمایه گذار تاریخ و فرستنده هدایای اخروی است.7  این آیه، پندار آنان که زن را تنها بازیچه و وسیله هوس بازی می دانند، باطل کرده است و ارزش واقعی زن را در درجه اول، حفظ نسل، انتقال تجربه و پرورش فکری و روحی فرزندان دانسته است.  بخش دوم آیه نیز جواز مطلق استمتاع را از همسر می فهماند؛ بر خلاف برخی ادیان که قیدهایی را برای این امر قرار داده بودند؛ چرا که اگر «انّی» در آیه، زمانی باشد، توسعه زمانی مسئله آمیزش جنسی را بیان می کند؛ یعنی در هر ساعتی از شب و روز مجاز هستید و اگر مکانی باشد، توسعه در مکان را می فهماند؛ یعنی در هر مکان که خواستید در آیید.8  این احتمال نیز وجود دارد که اشاره به هر دو جنبه داشته باشد و به این ترتیب، دو همسر می توانند هر گونه و در هر زمان و مکان، از لذت جنسی بهره بگیرند.  شاید این پرسش به ذهن خطور کند که چرا در این مسئله، مخاطب مردان هستند و زنان چنین خطابی ندارند و تابع هوس های مردان قرار گرفته اند؟  پاسخ، باتوجه به دو نکته زیر روشن می شود:  1. باتوجه به شأن نزول آیه که در مورد استمتاع مرد از زن و نفی برخی قیدهایی است که بعضی ادیان گذاشته بودند،9 مخاطب بودن مردان بدیهی است و از این خطاب، تحت اراده مرد بودن زن و بهره جستن زن به هنگام آمیزش، فهمیده نمی شود.  2. اساساً قرآن کریم به خاطر حفظ حیا و عفت زن، چنین خطاب هایی را به زنان نمی کند؛ همچنان که برای مردها پاداش حورالعین ذکر شده، اما برای زنان، چنین پاداشی به صراحت نیامده است و از این مطلب، وجود نداشتن چنین پاداشی برای زنان استنباط نمی شود. البته روشن است که استمتاع مرد از زن، یک جانبه نیست و مانند غذا خوردن نیست؛ بلکه طبیعت این عمل طوری است که زن و مرد، هر دو از یکدیگر بهره مند شده، نیاز غریزی خود را اشباع می کنند. حاصل آن که با توجه به صدر و ذیل آیه که زن به عنوان مزرعه و هدف آمیزش و روابط زناشویی، تربیت فرزند صالح دانسته شده، معلوم می شود که اسلام زن را به عنوان طفیلی ندانسته و انسانیت را در روابط زناشویی و آمیزش، ملاک قرار داده است و زن را اساس خلقت به شمار آورده است و برخلاف عقیده برخی که هدف از روابط زناشویی و آمیزش را ارضای غریزه جنسی - همانند حیوانات - پنداشته، برای زن ارزشی جز کالا قائل نیستند و از او استفاده ابزاری - برای تبلیغات - می کنند، هدف اسلام چنین نیست.  **پی نوشت**  1. شیخ صدوق، من لا یحضره الفقیه، ج 3، ص 383.  2. سید محمد خامنه ای، زن و خانواده در اسلام، ص 96.  3. آیة الله مکارم شیرازی و دیگران، تفسیر نمونه، دارالکتب الاسلامیه، ج 2، ص 96.  4. علامه طباطبایی، المیزان، ج 2، دفتر نشر اسلامی، ص 212.  5. ویل دورانت، لذات فلسفه، ترجمه عباس زریاب، نشر اندیشه، ص 193.  6. ر.ک: محسن قرائتی، تفسیر نور، سوره بقره، آیه 223.  7. سید علی اکبر قرشی، قاموس قرآن، مدخل «انّی».  8. طبرسی، مجمع البیان، ج 1، منشورات دار مکتبة الحیاة، ص 215. |